

تمدن اعراب پیش از اسلام از منظر قرآن کریم و کشفیات باستان‌شناسی



مهرالسادات محمودیان*

چکیده

در چند دهه‌ی اخیر، دیدگاه جدیدی از جانب برخی صاحب نظران با این مضمون ارائه شد که شبه جزیره‌ی عربستان قبل از اسلام، نه تنها از لحاظ فرهنگ و تمدن در سطح پایینی قرار نداشته، بلکه سرآمد تمدن در روزگار خود نیز بوده است. کشفیات باستان‌شناسی جدید، این نظریه را تقویت می‌نماید. در ایران طی سال‌های گذشته، نوشته‌هایی به رشته‌ی تحریر درآمد که از طریق دلالات موجود در خط و زبان عربی، به فرهنگ و تمدن عالی عرب ورود داشته‌اند. اما در زمینه‌ی باستانی و بررسی بناهای ارزشمند منطقه، به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های مهم تمدن مادی، هم‌چنان خلأ پژوهشی زیادی وجود دارد. شاید بررسی باستانی با پیوست تصاویر آثار تاریخی منطقه، پذیرش وجود تمدن در حوزه‌ی شبه جزیره‌ی عرب قبل از ظهور پیامبر ﷺ را برای افراد، تسهیل نماید. این مقاله، با روش تحلیلی توصیفی، خط، مراکز شهری، دین سازمان یافته، آداب و سنن پسندیده، کشاورزی، تجارت و آثار تاریخی، را به عنوان مؤلفه‌های مهم تمدن مادی در شبه جزیره‌ی عربستان پیش از اسلام، مورد بررسی قرار داده است. اطلاعات و یافته‌های جدید به دست آمده از حفاری‌ها در منطقه‌ی شبه جزیره، ما را به سمت وجود تمدن قوی و پیشرفته در عربستان قبل از اسلام سوق می‌دهد.

دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

صفحه ۸ تا صفحه ۴۵

واژگان کلیدی: اسلام‌ستیزی، باستان‌شناسی، تمدن، عرب‌ستیزی، معماری صخره‌ای

* دانش‌آموخته‌ی مهندسی معماری طلبه سطح ۲ حوزه علمیه
mehrimahmoudian@gmail.com

مقدمه

در نوشتار حاضر، سعی بر آن بوده که مؤلفه‌های مهم تمدن مادّی مانند خط، مراکز شهری، دین سازمان یافته، آداب و سنن پسندیده، کشاورزی، تجارت و آثار تاریخی در شبه جزیره عربستان پیش از اسلام، مورد کاوش قرار گیرد. بررسی تاریخ عرب پیش از اسلام، چون اساس تاریخ عصر اسلامی محسوب می‌شود؛ هم از ابعاد مختلف تاریخی، دینی، جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی و... حائز اهمیت است و هم از لحاظ نحوه‌ی بررسی صحیح آن که به دور از غرض و جهت‌گیری خاص باشد. دیدگاه مشهور، قوم عرب در این دوران را، فاقد هرگونه فرهنگ و تمدن معرفی می‌کند: «عموما این امر، محل اتفاق است که اعراب جاهلیت، از خود هیچ تاریخی نگذاشتند.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۹۶) اعتقاد به این دیدگاه، عواقب و نتایج مهمی مانند اسلام‌ستیزی دربردارد که شاید در نگاهی سطحی قابل درک نباشد.

در دو دهه‌ی گذشته، اگر درباره‌ی تمدن عالی عرب پیش از اسلام صحبت می‌کردیم، با انتقادهای بسیار تند مواجه بودیم. اما اکنون با یاری خداوند و تلاش محققین ژرف‌نگر، مقالات و کتب بسیار خوبی از زوایای مختلف با نگاهی کاملاً متفاوت نسبت به گذشته، به رشته‌ی تألیف درآمده است. کتاب *تمدن اسلام و عرب*، تألیف دکتر گوستاولوبون فرانسوی، متعلق به بیش از یک قرن پیش، به خصوص با روشنگری‌های مهم در زمینه‌ی دوران جاهلی، از آثار قدیم در این حوزه است. اثر ده جلدی *المفصل*، نوشته‌ی دکتر جواد علی، متعلق به پنج دهه‌ی قبل، از گسترده‌ترین کارهایی است که درباره‌ی تاریخ عرب پیش از اسلام، به زبان عربی انجام گرفته است. کتاب *مصادر الشعر الجاهلی* از ناصر الدین الاسد به زبان عربی نیز مطالب جالبی در زمینه‌ی سطح بالای علمی و ادبیات عرب جاهلی دارد. در سال‌های اخیر نیز، کتاب‌هایی در این زمینه از دانشگاه آکسفورد که حفاری در منطقه‌ی شبه جزیره را برعهده داشتند، منتشر شده است.^۱ رابرت جی. هویلند، استاد مطالعات اسلام‌شناسی دانشگاه آکسفورد، که سال‌ها پژوهش‌های خود را به بررسی مآخذشناسانه‌ی تاریخ صدر اسلام اختصاص داده است، کتاب *تاریخ اعراب در جزیره* // *عرب*، را در سال ۲۰۰۱م به زبان انگلیسی چاپ کرد. سپس انتشارات قدمس لبنان در سال

۱. کتاب بین امپراتوری‌ها: اعراب، رومی‌ها و ساسانی‌ها در دوره باستانی دیرینه (۲۰۱۱م)، کتاب روم و اعراب قبل از ظهور اسلام (۲۰۱۳م)، کتاب داخل و خارج: تعامل بین روم و مردمان در مرزهای عربی و مصر در باستان (۲۰۱۴م)، کتاب عرب‌ها و امپراتوری‌ها قبل از اسلام (۲۰۱۵م) و کتاب رم، پارس و عربستان: شکل دادن به خاورمیانه از پومپه تا محمد (۲۰۱۹م).



۲۰۱۰م با ترجمه‌ی حسن عدنان، آن را به زبان عربی منتشر نمود. این اثر، نخستین کتاب است که پس از انتشار به زبان انگلیسی، به عربی ترجمه شده است و تاریخ اعراب را در سرزمین اصلی‌شان با تمام جوانب زندگی، بررسی می‌کند. سایت انگلیسی زبان راهنمای گردشگری عربستان سعودی (www.saudiarabiaturismguide.com) نیز در معرفی آثار و تصاویر بناهای تاریخی منطقه، منبع بسیار مناسبی محسوب می‌شود.^۱ کتاب *از تمدن عرب تا تمدن اسلامی عرب*، نوشته جمال ضاهر، محقق در زمینه‌ی اعراب جاهلی و مدیر برنامه مطالعات عربی دانشگاه بیرزیت فلسطین، در سال ۲۰۲۱م نیز به تازگی در زمینه‌ی بازبینی در تمدن عرب پیش از اسلام، به زبان عربی منتشر شده است که متأسفانه، ترجمه‌ی فارسی اکثر این منابع وجود ندارد.

در ایران، طی سال‌های گذشته، نوشته‌هایی به رشته تحریر درآمد که از طریق دلالات موجود در خط و زبان عربی به فرهنگ و تمدن عالی عرب ورود داشته‌اند. یکی از بهترین پژوهش‌ها در این زمینه، مقاله *نمادهای فرهنگ عربی در عصر پیش از ظهور اسلام* (باقری مهیاری، ۱۳۸۶) است. خوشبختانه واژه «جاهلیت» نیز در کتاب *جاهلیت قرن بیستم* (محمد قطب، ۱۳۹۵) به نیکویی مورد پژوهش قرار گرفته و مقاله‌های بسیاری نیز در این زمینه در سال‌های اخیر نوشته شده است. به غیر از زبان و خط، دیگر مظاهر فرهنگ و تمدن عصر قبل از پیامبر ﷺ نیز در نوشته‌هایی چند، مورد بازبینی قرار گرفت. اما وجه تمایز پژوهش حاضر، نگاه آن از منظر کشفیات باستان‌شناسی جدید است. اگر خط، مراکز شهری، دین سازمان یافته، آداب و سنن پسندیده، کشاورزی، تجارت و آثار تاریخی را از شاخص‌های مهم تمدن مادی بدانیم، بررسی بناها و آثار تاریخی منطقه‌ی شبه جزیره عرب، همچنان مسکوت مانده که در این نوشتار مورد دقت قرار گرفته است.

روش پژوهش، تحلیلی توصیفی است. این نوشتار، با نگاهی کوتاه به مبحث عرب‌ستیزی و اسلام‌ستیزی و علل معروفیت اعراب به قوم بادیه‌نشین و نیم‌وحشی، به معرفی برخی از مؤلفه‌های تمدن مادی در عصر قبل از پیامبر ﷺ پرداخته است. منابع استفاده شده در این مقاله، کتب، مقالات و سایت‌های نوشته شده در سال‌های اخیر است. جهت تقریب موضوع به ذهن خواننده، تصویر بناها و آثار باستانی نیز ضمیمه

۱. نویسنده سایت، فلورنت اگال یک تبعه فرانسوی است که از ژانویه ۲۰۱۰ در ریاض ساکن است که پس از شش سال کاوش در عربستان سعودی این وب سایت را ایجاد می‌کند. وی می‌گوید: امیدوارم مردم پس از خواندن این صفحات، همان اشتیاق و شگفتی را که من احساس کردم نسبت به کشف این کشور جذاب، احساس کنند.

شده است. به گفته‌ی گوستاولوبون، از مشاهده‌ی آثار و نقش و نگار یک قوم، حقایقی که می‌توان تحصیل کرد، از کتاب نمی‌توان به دست آورد. به ویژه که موضوع پژوهش، قومی عرب است که ابنیه، عمارت‌ها و سایر آثار تاریخی آنان، در اغلب ممالک هنوز به وفور موجود می‌باشد و اگر بخواهیم خود را از بند عقاید بی‌اساسی که مورخین گذشته در این باب اظهار کرده‌اند آزاد سازیم، غیر از مسافرت و مشاهده‌ی آثار، راه دیگری برای شناخت آن نمی‌توان یافت. (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۲۳) نکته‌ی مهم‌تر آن است که، در این مقاله، محتوای قرآن کریم به عنوان مطمئن‌ترین منبع و ارزشمندترین سند تاریخی همواره مدنظر بوده است.

بیان مسئله

سالیانی است، جهالت عرب پیش از اسلام، مورد توافق جهانی بوده است. این مبحث، به ویژه در ایران با عرب‌ستیزی، دست در دست هم داده و موجب نفرت روزافزون ایرانیان از اعراب شده است. دیدگاه مشهور این است که اعراب آن دوران، در نازل‌ترین حدّ فرهنگ و تمدن قرار داشتند. سخنی از خسرو پرویز نقل است که می‌گوید: «اعراب را نه در کار دین هیچ خصلت نیکو یافتم و نه در کار دنیا. آن‌ها را نه صاحب عزم و تدبیر دیدم و نه اهل قوّت و قدرت. آن‌گاه گواه فرومایگی و پستی همت آن‌ها همین بس که آن‌ها با جانوران گزنده و مرغان آواره در جای و مقام برابردند.» (ابن عبدربه، ۱۹۸۷م، ج ۲، ۵) ابن خلدون در مقدمه معروف تاریخ خود می‌نویسد: «هرگاه قوم عرب بر کشورهای دست یابد، به سرعت آن ممالک رو به ویرانی می‌روند؛ زیرا تازیان، ملتی وحشی‌اند و عادات و موجبات وحشی‌گری چنان در میان آنان استوار است که همچون خوی و سرشت ایشان شده است و این خوی برای ایشان لذت بخش است... و پیداست که چنین خوی و سرشتی با عمران و تمدن منافات دارد و در جهت مخالف آن است... و نیز در مثل آنان از این رو به سنگ نیازمندند که از آن دیگ‌دان بسازند و دیگ غذایی خود را روی آن بگذارند و به همین سبب بناها را خراب می‌کنند و سنگ‌های آن را به منظور مزبور به کار می‌برند.» (ابن‌خلدون، ۱۳۵۹، مقدمه تاریخ ابن‌خلدون) و لیکن در مواجه شدن با این دیدگاه، نکاتی وجود دارد که شک برانگیز است:

۱- عنصراولیه در صنعت شعر، زبان و خط است و خط، جایگاه ویژه‌ای در مؤلفه‌های تمدن بشری دارد. چگونه باور کنیم قومی که مهم‌ترین مهارتش، شعر و شاعری و مهم‌ترین

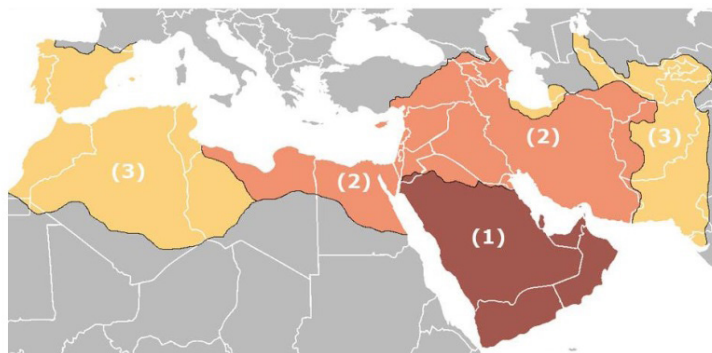


تفریحاتش شرکت در گردهمایی‌های ادبی و هنری بوده (ظرافتکار، ۱۳۸۱، ۲۲۹). از تمدن بهره‌ای نداشته است؟! «زبان، آینه‌ی مردمان و معیار آداب آن‌هاست و اشعار عرب، گواه روشنی بر بلوغ تمدنی و ظرافتی است که بدان رسیده‌اند.» (داغر، ۱۹۱۸م، ۴۱) ابن منظور در اهمیت شعر می‌نویسد: «شعر در لغت عرب به معنی علم است و شاعر به معنی عالم.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل شعر) و شوقی ضیف در مقام مقایسه‌ی کلمه‌ی شاعر نزد یونانیان باستان و عربان می‌گوید: «شاعر نزد یونانیان باستان به معنی صانع بوده، از این رو آنان در پژوهش‌های خود، شعر را هم وزن صنایع و هنرهای زیبا چون پیکرتراشی، نقاشی، رقص و موسیقی می‌دانستند.» (ضیف، ۱۳۶۴، ۱۳) در ادبیات جاهلی نیز بسیار به کلام پرمحتوا برمی‌خوریم که نشان از رشد فکری ایشان دارد؛ برای نمونه کلام اکثم بن صیفی: «لیس من العدل سرعة العدل: شتاب کردن در دادگری مایه بیدادگری است.» (ظرافتکار، ۱۳۸۱، ۲۳۲)^۱

۲- چرا با وجود اقوام متمدنی چون ایران و روم، قرآن کریم با چنان محتوای عظیم، برعرب جاهلی نازل شد؟! آیا عقلانی‌تر نبود اسلام در ایران و روم ظهور می‌کرد تا ترس آن نباشد که این قوم وحشی، معارف عالی را در نطفه خفه کنند؟ جمال ضاهر به این نکته در کتاب *از تمدن عرب تا تمدن اسلامی عرب* اشاره می‌کند: «محقق فقط نیاز به طرح سؤالات شهودی دارد که نیاز به تفکر زیادی ندارد: آیا خداوند پیامبرش را به سوی مردمی می‌فرستد که گرفتار جهل و نادانی هستند، تا وحی معجزه آسای او را درک نکنند؟ آگاهی ما از این موضوع، ما را وادار می‌کند تا در آراء رایج در مورد تمدن عرب تجدید نظر کنیم.» (جمال ضاهر، سپتامبر ۲۰۲۱، سایت عربی www.arab48.com)

۳- چگونه این قوم بدوی، در کمتر از یک قرن توانستند، دو امپراتوری عظیم را تصرف کنند و ناگهان به متمدن‌ترین مردم جهان مبدل شوند؟! ویل دورانت می‌نویسد: «در آن هنگام کسی به خواب هم نمی‌دید که یک قرن بعد، این مردم خانه به دوش، نیمی از متصرفات آسیایی دولت روم، همه‌ی ایران و مصر و بیشتر شمال آفریقا را بگشایند.» و سپس اقرار می‌کند که این: «از عجیب‌ترین حوادث اجتماعی قرون وسطی است!» (دورانت، ۱۳۶۸، ج ۴، ۱۹۷)

۱. باید متذکر شد، منکر محتوای منفی بسیاری از اشعار جاهلی، که در کلام حضرات معصومین علیهم السلام نیز مورد نکوهش واقع شده است نیستیم بلکه مخالفت با این دیدگاه است که، تمام اشعار جاهلی دارای مضمون منفی بوده است. در حالی که در ادبیات تمام اقوام، محتوای مثبت و منفی توأمان وجود داشته است و حتی آثار شاعران دوران اسلامی نیز از محتوای منفی درامان نبوده است.



گسترش قلمرو اسلام در زمان محمد، ۶۲۲-۶۳۲	■
گسترش قلمرو اسلام در زمان خلفای راشدین، ۶۳۲-۶۶۱	■
گسترش قلمرو اسلام در زمان خلفای اموی، ۶۶۱-۷۵۰	■

تصویر شماره ۱- نقشه فتوحات مسلمانان.

این درحالی است که تمدن، در زمان کوتاه به اوج نمی‌رسد و به زیربنای مناسب، نیاز دارد. آیت الله مکارم در کتاب *فیلسوف نامه‌ها* می‌نویسد: «طبق اصول مادی، ممکن نیست تکامل جامعه‌ها به صورت «طفره» بروز کند؛ یعنی تا مرحله نخستین طی نگردد، ممکن نیست مرحله دوم آغاز شود و تا سنگ اول کاخ تمدن را نگذارند، نوبت به سنگ دوم نمی‌رسد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۳۹، ۵۵) گوستاولوبون در این باره می‌گوید: «ترقی افراد، ملل، مذاهب و نظامات انسانی، همیشه به تدریج حاصل می‌شود و در مدارج ترقی، قبل از وصول به مدارج متوسطه، رسیدن به مدارج عالی، محال است.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۹۶) بنابراین اعراب در دوران قبل اسلام، باید حداقل از پیش زمینه‌های والای اخلاقی و علمی برخوردار بوده باشند که با ظهور اسلام، طی مدت زمان کوتاه بتوانند خود را تا حد بزرگترین ابرقدرت دنیا ارتقا دهند. البته نباید منکر انحطاط‌های فکری و اخلاقی ایشان نیز شد؛ چرا که هر قومی، توأمان دارای خصلت‌های خوب و بد هستند.

۴- مهم‌تر از همه، آیات قرآن کریم به عنوان معتبرترین منبع تاریخی، قوم عرب صدر اسلام را از لحاظ امکانات و پیشرفت‌های مادی، دارای اهمیت دانسته و با اقوام متمدن قبلی مقایسه کرده است: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا»؛ آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کار پیشینیانشان (چون قوم عاد و ثمود) چه شد؟ در صورتی که از این‌ها بسیار تواناتر بودند و بیش از ایشان، در زمین کشتزار ساختند و کاخ و عمارت برافراشتند.



(روم: ۹)^۱ اگر اعراب در زمینه‌ی تمدن ماڈی، حرفی برای گفتن نداشتند، مقایسه‌ی ایشان با اقوام متمدن نیز مقایسه‌ای بی‌ربط بود.

در نتیجه اگر طبق دیدگاه مشهور، ملت عرب پیش از اسلام را مردمی متوحش و فاقد فرهنگ و تمدن بدانیم؛ ناچار باید اذعان کنیم که این قوم بی‌فرهنگ، تمدن عالی ایرانی و تمدن‌های والای دیگر را تخریب نموده و فرهنگ عقب مانده‌ی خویش را به ملت‌های تصرف شده، تحمیل کردند. چنین طرز تفکر و باوری به روحیه‌ی «عرب‌ستیزی» منجر خواهد شد. صرف عرب‌ستیزی شاید در ظاهر امر مسئله‌ی مهمی به نظر نرسد، اما آن چه اهمیت آن را هویدا می‌سازد روح «اسلام‌ستیزی» است که در پی خواهد داشت. و این جاست که مطالعه‌ی صحیح، دقیق و بدون غرض در تاریخ عرب عصر قبل از پیامبر ﷺ جایگاه خود را بیشتر نمایان خواهد کرد.

۱- عرب‌ستیزی و اسلام‌ستیزی

به نظر می‌رسد، عرب‌ستیزی و در پی آن، اسلام‌ستیزی در ایران، با ترفند گرایش به باستان‌گرایی ایرانی شروع شد و در این حوزه، جهت تغییر نگرش مردم، از هنر و به ویژه شعر کمک زیادی گرفته شد. در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «فرآیند تحول نگاه ایرانیان به اعراب در دوران معاصر»، آغاز فرآیند عرب‌ستیزی در ایران به خوبی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگر با بررسی مفضل عرب‌ستیزی در طرح و برنامه‌ی حکومت، موسیقی، ادبیات داستانی و نمایشی دوران قاجار، مشروطه و پهلوی اول و دوم، نتیجه می‌گیرد: «تحول نگاه ایرانیان به اعراب که در چهره‌ی عرب‌ستیزی، خود را نشان می‌دهد، تنها به دوران معاصر مربوط نشده و در همه‌ی دوران زندگی ایرانیان مطرح بوده است. اثبات این نظریه، بروز جنبش‌های ملی ایرانیان است که نخست به صورت پیکارهای فرهنگی و سپس پیکارهای جنگی تا سال ۱۳۲۲ ه. ق ادامه داشت. در دوره نخستین شاهان قاجار، دوباره جریان عرب‌ستیزی زنده شد و همان جریان‌های ملی‌گرایانه با هدف زنده‌سازی اعصار باستانی که به دیده‌ی آنان، روزگار طلایی و پرشکوه ایرانیان محسوب می‌شد، با شدت بیشتری دنبال می‌شود.» (شهاب نوکنده، ۱۳۹۵، ۱۰۵)

بنابراین به صورت نامحسوس، با استفاده از تکنیک ملی‌گرایی، روح ایرانی را در مقابل عرب، که در نگاه ایشان، قرن‌هاست ایران را به زور تسخیر کرده، قرار دادند: «قرن ۱۹ آغاز

۱. این مضمون در آیات ۲۱ و ۸۲ سوره مبارکه غافر نیز تکرار شده است.

تحرك ملی‌گرایان ایران است که با مقایسه‌ی عقب‌ماندگی ایران با توسعه و مدنیت غرب، نظر مردم را به ملی‌گرایی نوین جلب کردند. این ملی‌گرایی هم، از آغاز برآن شد تا علت عقب‌ماندگی ایران را در ظهور اسلام اعلام کند و از همین نقطه، اندیشه‌ی باستان‌پرستی و والانگاری تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام آغاز شد. (بلوندل سعد، ۱۳۸۲، ۱۷)

دوران پهلوی اول، اوج ملی‌گرایی بود و اسلام‌ستیزی از دامان عرب‌ستیزی، خود را بیش از پیش نمایان کرد: «در دوره‌ی رضاخان، ایدئولوژی‌ای به نام ناسیونالیسم بی‌جاساز در ایران رسمیت یافت که دو باور کانونی‌اش این بود: یکی این که مسئول مشکلات و انحطاط ایران، اعراب هستند و دیگر آن که، ایرانی‌ها از نژاد آریایی‌اند؛ بنابراین نسبت خویشاوندی با اروپاییان دارند و از نظر نژادی، کاملا از اعراب جدا هستند.» (ضیاء‌ابراهیمی، ۱۳۹۷، ۹)

روشنفکری رضاخانی، ناسیونالیسم قلابی بود؛ چون معتقد بود اعراب، ایرانیان را به استثمار کشیده‌اند و برای رسیدن به پیشرفت، باید از سلطه‌ی آنان و عقایدشان خارج شده و روی پای خود ایستاد، ولی در عمل، مخالفتی با استعمار و استثمار غربی‌ها نداشت و این بار، ایران روی پای غرب ایستاد! احمدسیف، در این باره می‌نویسد: «ناسیونالیسم رضاشاهی از نوعی ویژه بود که با سلطه‌ی امپریالیستی تناقضی نداشت؛ یعنی نه فقط تجددطلبی واقعی نبود، بلکه هم‌خوان با آن، با ناسیونالیسم قلابی نیز مواجه هستیم که مکمل تجددطلبی قلابی بود.» (سیف، ۱۳۹۷، ۱۰۱)

«رضاخان برای ایجاد ملی‌گرایی افراطی، دور انداختن زبان و تاریخ دوره‌ی اسلامی را ضروری می‌دانست. او برای پیراستن زبان فارسی از واژگان عربی و اسلامی، فرهنگستان زبان فارسی را در سال ۱۳۱۸ برپا کرد و به منظور حذف تاریخ دوره‌ی اسلامی ایران، مورخان را واداشت تاریخ ایران را بازنویسی کنند. دور انداختن زبان و تاریخ دوره اسلامی مستلزم آن بود که اعراب، قومی وحشی و مسئول تمام بدبختی‌های بعدی تاریخ ایران معرفی شوند.» (افضلی، ۱۳۸۶، ۳۴۲) «رضاخان، ملی‌گرایی را غیر اسلامی می‌دید و آن را با واژگان غیر اسلامی بیان می‌کرد. هرچند مستقیم به اسلام حمله نمی‌شد، در آموزش به نسل جدید این موضوع القا می‌شد که اسلام دینی بیگانه است و قومی بدون تمدن آن را به ایران تحمیل کرده است.» (فوران، ۱۳۸۸، ۳۳۸) «ملی‌گرایی در دوران پهلوی اول بر اساس بزرگداشت و یادآوری خاطره‌ی جمعی تاریخی از طریق نمادها، اساطیر، مراسم و رسوم، موزه‌ها و مکان‌های باستانی، طراحی معماری هخامنشی برای مکان‌های عمومی، موسیقی ناسیونالیستی و طرح لباس ملی انجام می‌شد.» (اشرف، ۱۳۹۵، ۲۰۸)



ظهور و گسترش عقاید شعوبی‌گری در ایران از اواخر عهد اموی، خود گویای دشمنی با نژاد عرب است. در این میان از «شعر» به عنوان وسیله‌ی بسیار مناسب بهره برده می‌شود: «شعرای ایرانی که اغلب شعوبی بودند، تفاخر به گذشتگان خود و ذکر سلاطین بزرگ ایران و شکوه و جلال آنان را در شعر، مورد توجه بسیار قرار می‌داده و در مقابل در تحقیر عرب مبالغات شدید می‌کردند.» (صفا، ۱۳۳۲، ج ۱، ۱۹۰)

«فتح علی آخوندزاده (۱۸۱۲-۱۸۷۸م)، میرزا آقاخان کرمانی (۱۸۵۳-۱۸۹۶م) و بسیاری از معاصران آنان، تصویر باشکوهی از تمدن دوران هخامنشی و ساسانی ترسیم و عرب بادیه نشین وحشی را مسئول از میان رفتن آن تمدن با عظمت معرفی کردند. کرمانی، اسلام را دینی بیگانه می‌انگارد که توسط سامی‌ها بر ملت نجیب آریایی تحمیل شده است. از نظر او سامی‌ها، ملتی پابرنه و سوسمارخور، چادرنشینی صحراگرد و عرب‌های وحشی‌اند که مسئولیت نابودی تمدن کهن ایران را به دوش دارند. از آن پس کلیشه‌ی عرب بادیه نشین، که کرمانی آن را به کار می‌برد، در فرهنگ معاصر ایران به دفعات بی‌شمار تکرار شده است. ایرانیان از تصاویر منفی این کلیشه تأثیر گرفته‌اند و در این میان، تبلیغ بر شاهنامه فردوسی - حماسه‌ی ملی ایران - که دفتر حماسی ایران را با ورود عرب و شکست ساسانیان می‌بندد، اوج می‌گیرد. در این اثر، اعراب، مردمی بی‌تمدن و پست معرفی شده‌اند.» (بلوندل سعد، ۱۳۸۲، ۱۸۱۷)

دل آرام شهاب، در پایان نامه‌اش، اسلام‌ستیزی را که از دل عرب‌ستیزی و باستان‌گرایی ظهور کرده است، در اشعار تعدادی از شاعران معاصر مانند مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، احمد شاملو و... مورد بررسی قرار داده است: «ازجمله‌ی این شاعران، نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸) است که از نظر او، اسلام فقط دشمن ملی‌گرایی پارسی نیست، بلکه بین روح و جان ایرانی و درک و تصور اسلامی تضاد وجود دارد.» (شهاب نوکنده، ۱۳۹۵، ۸۹)

نفرت از عرب، تنها به حوزه‌ی ادبیات بسنده نکرده و به تاریخ هم ورود داشته است. تا آن‌جا که کتاب *تاریخ اسلام* مهدی پیشوایی که از کتب مورد تدریس در حوزه‌ی علمیه است، در این زمینه می‌نویسد: «وحشیگری و دوری از تمدن، یکی دیگر از عوامل غارتگری اعراب بود. جهل در عبارت عرب جاهلی، نقطه مقابل عقل و منطق است. مفهومی همچون نفهمی دارد که لازمه‌ی آن بی‌سوادی نیست، بلکه افراد کج‌فهم، کج‌عقل و سبک‌مغز را نیز با آن متصف می‌کنند.» (پیشوایی، ۱۳۹۶، ۶۵ و ۶۴)

۲- اعراب وحشی و بیابان‌گرد

چه عاملی باعث شد، اعراب پیش از اسلام به قومی وحشی و بیابان‌گرد معروف شوند؟

۱-۲- فرق نگذاشتن بین بدوی و شهری

گوستاولوبون منشأ عقیده‌ی پیدا شده در این زمینه را علاوه بر نیم سکوت تاریخ، فرق نگذاشتن بین بدوی و متوطن می‌داند: «عموماً، قبایل صحرائین با شهرنشین، هر دو را در یک ردیف قرار داده‌اند. در صورتی که بر احدی پوشیده نیست که اعراب بدوی، اعم از این که بدوی‌های عصر قبل از اسلام باشند یا عصر اسلام، هنوز هم به حالت نیم وحشی باقی مانده‌اند و مثل تمام اقوام وحشیه، فاقد تمدن و تاریخ می‌باشند. ولی بدوی، تنها یک شعبه و طایفه‌ای خاص است از عرب و طوایف دیگر که در شهرها مسکن گزیده‌اند، به امور تجارت و فلاحت آشنا می‌باشند و همین قسمت است که می‌توان به آسانی ثابت کرد در آن‌ها تمدن بوده است.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۹۷)

۲-۲- اشتباه سیاحان

گوستاولوبون به نقل از سیاح پالگروا که مدت‌ها در میان اعراب اقامت داشته و بنا به عقیده‌ی او، اعراب یکی از نژادهای عالی دنیا محسوب می‌شوند، می‌نویسد: «این که عربستان از ممالک وحشیه معرفی شده برای این است که اکثر سیاحان از سواحل و سرحدات این کشور هیچ نتوانسته‌اند قدمی جلوتر گذارده و از داخله‌ی آن معلوماتی به دست آورند.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۴۶ و ۸۲) منظور این است که بیشتر سیاحان که به توصیف عرب پرداخته‌اند، وارد مناطق شهرنشین اعراب نشده و تنها از سرحدات شبه جزیره که اکثراً بیابان‌نشین هستند، دیدن کرده‌اند.

۲-۳- بزرگداشت اسلام به زعم مسلمانان

شاید یکی دیگر از عواملی که باعث شد عرب دوران پیش از اسلام، بی‌ارزش شود، از جانب خود مسلمانان بود که ناآگانه از عواقب این موضوع، خود را به دام دشمن انداختند و گمان کردند هرچه دوران پیش از اسلام را کم اهمیت‌تر جلوه دهند، به ارزش دوران پس از اسلام، افزوده‌اند: «به ویژه در عصر عباسیان، عقب‌گردی نسبت به تاریخ اعراب قبل از اسلام رخ داد. شاید تناقض تاریخی و دوگانگی در این زمینه مربوط به این باشد که عباسیان در این دوران، چون علوم یونانی و آتنی را به زبان عربی ترجمه کردند، برای بزرگداشت فعالیت‌های خود به انکار وجود تاریخ متمدنانه‌ی اعراب قبل از اسلام پرداختند که گویی وجود چنین تاریخی یا صحبت از چنین تمدن‌هایی چیزی است که می‌تواند

از تمدن عرب پس از اسلام بکاهد.»

(<https://www.alittihad.ae/article/6628/2017>)

«اکثر مفسران، جاهلیت را به عنوان جهان عرب پیش از اسلام تفسیر می‌کنند. مشروح‌ترین گزارش‌ها در این باره، توسط خود مسلمانان ثبت شده است. از آن‌جا که هم تاریخ تجربی پیش از اسلام و هم روایات ادبی مسلمانان در مورد آن مبهم هستند؛ اول، ما نمی‌دانیم که داستان‌های دوران مسلمانان در مورد جاهلیت با چه دقتی بر فرهنگ‌ها و جوامع واقعی عربستان پیش از اسلام، به ویژه حجاز - منطقه‌ای که محمد ﷺ در آن، متولد شد - نگاشته شده است و دوم، ما هنوز گفتارهای پشت ضبط مسلمانان از افسانه‌های پیش از اسلام را درک نکرده‌ایم و از این رو نمی‌دانیم، چه نوع دانه‌های نمکی را هنگام تفسیر متون باید مصرف کنیم.» (پیتروپ، ۲۰۲۰م، ۲۳۵ و ۲۳۶)

۳- مؤلفه‌های مهم تمدن

اما شاخصه‌های تمدن که بر اساس آن، قومی را متمدن و قوم دیگر را فاقد آن بنامیم چیست؟ در فرهنگ معین، در تعریف واژه تمدن، نکاتی مانند شهرنشین شدن، با اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن و نیز همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره آمده است. (معین، ۱۳۷۰، ج ۱، ۱۱۳۹) بنا به این تعریف، مؤلفه‌های تمدن مادی، حول شهرنشینی، در مقابل بادیه نشینی دنبال می‌شود. «تمدن، مقابل بادیه نشینی است.» (هفته‌نامه گلستان قرآن، ج ۳، ۳۸۳۶) در قرآن مجید، واژه‌ی قریه، در مقابل بادیه اشاره به شهر دارد: «تعبیر من أهل القرى با توجه به این است که قریه در لغت عرب، به هرگونه شهر و آبادی گفته می‌شود، در مقابل بدو که به بیابان اطلاق می‌گردد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ۹۷)

شهرنشینی نیاز به کشاورزی و تجارت دارد. زندگی در شهر، ساخت ابنیه، وجود پرستشگاه، توجه به خط، جهت ثبت اطلاعات و... را به همراه دارد: «از نگاه تاریخ تمدن، با بالا رفتن فرهنگ عمومی، فکر کشاورزی تولید می‌شود، با ساخت شهر، روحیه تجمل و خوش‌گذرانی پدید می‌آید و در محل برخورد راه‌های بازرگانی، عقل‌ها بارور و خلاقیت آشکار شده، در نتیجه در پی رشد سجایای اخلاقی و شکوفایی دانش، هنر و ادبیات، شکل می‌گیرند.» (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳-۶) گوستا لوبون، اجزاء ترقی انسانی را، ابنیه و عمارات، ادبیات و السنه، رسوم و عادات، مذهب و عقاید و... می‌داند. (گوستا لوبون، ۱۳۱۸، ۲۲) در مجموع

شاید بتوان مهم‌ترین نمادهای تمدن مادّی را در موارد زیر خلاصه کرد:

- وجود خط و زبان مکتوب

- مراکز شهری، دولت متمرکز، ساختار اقتصادی و سیاسی و طبقه‌بندی اجتماعی

- دین سازمان یافته و وجود پرستشگاه‌ها

- آداب و سنن پسندیده و سجایای اخلاقی

- کشاورزی و تجارت

- بسط هنر، معماری و آثار تاریخی.

اکنون لازم است این شاخصه‌ها را در قوم عرب پیش از اسلام دنبال و آن‌گاه نتیجه‌گیری کنیم که آن قوم، از لحاظ معیارهای مادّی، متمدن است یا متوحش.

۱-۳- خط و زبان مکتوب

خط و تکامل زبان عربی، گویاترین نماد تمدن اعراب در عصر پیش از اسلام است و در چند دهه‌ی اخیر نیز مقالاتی در این زمینه نوشته شده است. قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد زبان عربی قبل از نزول قرآن به تکامل رسیده و دایره‌ی افراد باسواد در آن دوران نیز گسترده بوده است:

۱-۱-۳- ارتباط بین اثر هنری بدیع و مخاطب

«معجزه‌ی هر پیامبر، نمادی از وضعیت جامعه‌ی زمان اوست. ارتباط بین اثر هنری بدیع و مخاطب، یک اصل است.» (ظرافتکار، ۱۳۸۱، ۲۳۴) قرآن کریم به عنوان پرمحتواترین اثر هنری و علمی، می‌بایست با مخاطبش همگونی داشته باشد. طه حسین می‌گوید: «عرب جاهلی، آن‌گاه که آیات قرآن بر او تلاوت شد، او را خوش آمد. علت چیست؟ آیا غیر از این است که رابطه‌ای بین خود و قرآن احساس می‌کرد؟ این همان ارتباطی است که بین اثر هنری بدیع و کسانی که به هنگام شنیدن یا دیدن آن مجذوب می‌شوند، پدید می‌آید.» (طه حسین، ۱۹۹۱م، ۸۸/۱)

مهدی ظرافتکار، اشک‌های عرب جاهلی از شنیدن آیات قرآن را نشانه‌ای از همین برقراری ارتباط ایشان با قرآن، معرفی کرده و تحدی و هم‌اوردطلبی قرآن از مخاطبین‌اش را نیز، نشان سطح بالای ادبی و فکری قوم عرب می‌داند: «خداوند صراحتاً هم‌اورد می‌طلبد. این خود حکایت از رواج سخن و کلام متین دارد که هم‌اوردطلبی در این مجال مطرح می‌گردد. بدیهی است که سخن و کلام متین بر معنای متین می‌نشیند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بستر چنین اجتماعی، بستری آبستن فرهنگ و تمدن بوده

است. (ظرافتکار، ۱۳۸۱، ۲۳۴ و ۲۳۵)

۳-۱-۲- قرآن و کتیبه‌ها، بهترین نشانه تکامل زبان عربی

از طرفی نزول قرآن با زبان تکامل یافته‌ی خود و اطلاع کاتبان وحی از آن زبان و از طرف دیگر کتیبه‌های فراوان کشف شده از دوران صدر اسلام و قبل آن^۱، بهترین نشانه در جهت نمایش پیشرفت و تکامل در زبان عربی است. عبدالعزیز سالم، بهترین منبع قابل پذیرش اطلاعات در این زمینه را کتیبه‌ها می‌داند: «سنگ نبشته‌ها، نوشته‌های بی‌طرفانه و به دور از غرضی است که روایات و نقل قول‌ها، آن‌ها را مخدوش نساخته است.» (عبدالعزیز سالم، ۱۳۸۳، ۴) «کتیبه‌ها به ما نشان می‌دهند که نه تنها خط عربی، شکل آغازین خود را حدود ۳ قرن قبل از ظهور اسلام بازیافته بود، بلکه حدود نیم قرن پیش از اسلام در قرن ۶ میلادی، شکل نهایی و کامل به خود گرفته است.» (باقری-مهیاری، ۱۳۸۶، ۴۲)

۳-۱-۳- جایگزینی زبان دیگر ملل با زبان عربی به علت تکامل آن

زبان عربی نسبت به زبان‌های دیگر، آن چنان امتیازاتی داشت که بعد از فتوحات مسلمین، تبدیل به زبان رسمی بسیاری از کشورها شد: «نکته شگفت‌انگیز آن که عربی سازی مناطق فتح شده، بیشتر از فتح نظامی آن‌ها در گسترش تمدن عربی نقش داشت. تا قرن یازدهم، زبان عربی نه تنها زبان تکلم روزانه‌ی مردم از ایران تا پیرنه، بلکه ابزار عمده‌ی فرهنگ نیز بوده است.» (لوییس برنارد، ۱۹۵۴م، ۲۱۰) بنابراین، زبان عربی، می‌بایست نسبت به زبان‌های کشورهای فتح شده، امتیازات بیشتری می‌داشته که توانسته تا سالیان طولانی جایگزین زبان آن ملل گردد. و بدون شک این تکامل زبان، طی مدت زمان کوتاه حاصل نشده و پیش‌زمینه‌های آن مربوط به دوران قبل از پیامبر ﷺ بوده است. قرآن کریم نیز، عربی بودن زبان خود را ستوده است: «لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ». (نحل: ۱۰۳).

۳-۱-۴- گسترش سطح سواد در دوران پیش از اسلام

تعداد فراوان کتیبه‌ها و دیگر نشانه‌ها، نشان دهنده‌ی وجود سواد و کتابت در بطن جامعه‌ی عرب قبل از اسلام دارد: ناصرالدین اسد در کتاب *مصادر الشعر الجاهلی* تعداد صحابه‌ی پیامبر ﷺ و افراد دیگری که بعد از اسلام به دستور شخص رسول اکرم ﷺ به دیگر افراد، سواد آموختند را، شاهده‌ی بر تعداد زیاد باسوادان عصر جاهلی می‌داند:

۱. به تعدادی از این کتیبه‌ها در صفحه ۱۸ مقاله «حیره عامل انتقال فرهنگ» نوشته مسعود صفری اشاره شده است.

چراکه ایشان، از نظر سنی، تربیت یافته‌ی دوران پیش از اسلام بودند: «آیا آنان که عنوان می‌کنند عصر جاهلی به دور از کتابت بوده یا افراد باسواد در آن محدود و قابل شمارش بوده‌اند، می‌توانند تعداد زیادی از اصحاب رسول اکرم ﷺ را که به کتابت مشغول بوده‌اند منکر شوند؟ خصوصاً که هر یک از صحابه، مسئول کتابت بخشی از امور بوده است؛ مانند: کتابت عقود و معاملات، دیون صدقات، غنائم وحی.» (اسد، ۱۹۹۶م، ۵) حتی اگر این ادعا را نیز قطعی ندانیم، حداقل آمار اندک و انگشت شمار تعداد باسوادان دوران پیش از اسلام، قابل شک است.

از طرف دیگر، توجه به تعداد زیاد عدد و رقم، به ویژه ارقام کسری در قرآن کریم، نشان دهنده‌ی گسترش سطح بالای سواد در بطن جامعه‌ی آن روز دارد. محاسبه‌ی قوانین مربوط به ارث در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه نساء، حتی امروزه با وجود وسایل پیشرفته، کار پیچیده‌ای است؛ این درحالی است که تقریباً همه‌ی مردم عادی با مسئله‌ی ارث سروکار داشتند و اعتراضی نیز از قوم عرب به پیچیده بودن محاسبات آن، بر پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ وارد نشد. مورد دیگر، توجه به رباخواری است که قرآن کریم در سوره بقره و دیگر سوره، با توجه به ابتلای جامعه صدر اسلام، به شدت آن را نهی کرده است. اما سیستم تجارت و اقتصاد قوی اعراب که در ادامه بدان پرداخته می‌شود و سیستم‌های ربوی، نیازمند علم حساب و سواد و کتابت است و در نتیجه عرب، نمی‌توانسته در این زمینه بی‌بهره بوده باشد: «مکه همانند بانک و صراف‌خانه‌ی بزرگی بود با پیمانها و ترازوها و نیز معاملات نقدی و مدت‌دار و ربا و انواع معامله و مضاربه.» (ضیف، ۱۳۶۴، ۵۹) «محققان از قبایل معدوم عرب، ویرانه‌های مدارس حاوی رصدخانه‌های نجومی، متون تاریخی، ابزار، قراردادهای مسائل ریاضی و جداول ضرب، مشابه آن چه امروزه شناخته شده‌اند، یافته‌اند.» (داغر، ۱۹۱۸م، ۷-۱۰) «اعراب نام‌های مختلفی برای کشتی‌ها و جاده‌ها و چیزهای دیگر گذاشته‌اند که نشان دهنده‌ی علاقه آن‌ها به اقتصاد است.» (داغر، ۱۹۱۸م، ۴۱)

از سوی دیگر، تعداد زیاد شاعران، نقادان و داوران در زمینه‌ی شعر، که از تفریحات مهم عرب در دوران قبل از پیامبر ﷺ بود، خود گویای سطح سواد و نیاز به کتابت است. معلقات سبع و مکتب الاصحاب القصائد الحولیات و قصیده‌هایی که سرودن و نقادی آن، گاه یک سال به طول می‌انجامید، (ظرافتکار، ۱۳۸۱، ۲۳۰) بدون کتابت، برای شاعر و داور، امکان‌پذیر نبوده و صرف شفاهی بودن کفایت نمی‌کند.

۲-۳- مراکز شهری

شاید یکی از مواردی که در بررسی قوم عرب، ما را به بیراهه برده است، اعراب بادیه‌نشین و زندگی در صحرا باشد و بر همین اساس عده‌ای گمان کرده‌اند در شبه جزیره عرب، زندگی شهرنشینی و یکجانشینی وجود نداشته و یا خیلی محدود بوده است: «سکنه‌ی بخش شمالی، برخلاف جنوب، فاقد تمدن و بیشتر چادرنشین و بیابان‌گرد بودند و شهرهای آن به جز مکه که مقارن ظهور اسلام، قدری توسعه یافته بود، چندان اهمیتی نداشتند.» (پیشوایی، ۱۳۹۶، ۳۲) اما در این مورد سوءبرداشتی اتفاق افتاده است. طبق گفته‌ی گوستاولوبون که پیش از این در مورد توحش اعراب، بیان کردیم، این امر بر ما مشتبه گشته است. تفسیر نور معتقد است: «مردم عصر پیامبر ﷺ دو گروه بودند: شهرنشین و بادیه‌نشین.» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۴۹۰)

مخاطب اصلی دعوت پیامبر ﷺ، شهرنشینان بوده‌اند: «تعبیر «مِنْ أَهْلِ الْقُرَى» ممکن است اشاره به این باشد که پیامبران الهی هرگز از میان مردم بیابان‌نشین برخاستند؛ چرا که بیابان‌گردها معمولا گرفتار جهل و نادانی و قساوتند و از مسائل زندگی و نیازهای معنوی و مادی کمتر آگاهی دارند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ۹۷) طبق این دیدگاه، پیامبر اولوالعزم خاتم هم نمی‌توانستند از دامان صحرائشینان ظهور کرده باشند. بلکه به فرموده‌ی قرآن شریف، از أم القری یعنی مادر شهرها، مبعوث شدند. (شوری: ۷)

به گفته‌ی هویلند «اسلام در میان شهرنشینان متولد شد و با شهر شروع شد.» (هویلند، ۲۰۰۲، ۲۴۳) و در مراحل بعدی، احکام به بادیه‌نشینان عرضه می‌گشت. قرآن فقط در ۱۰ مورد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۴۹۰) به بادیه‌نشینان تحت عنوان «الاعراب» اشاره می‌کند و در بقیه‌ی آیات، گفتگو با شهرنشینان صورت گرفته است. «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ عرب‌های صحرائشین در کفر و نفاق شدیدترند و به ناآگاهی از حدود آن چه الله بر فرستاده‌اش فرو فرستاده سزاوارترند و الله دانای فرزانه است. (توبه: ۹۷) تفسیر نمونه در مورد واژه «الاعراب» می‌نویسد: «چنان که ائمه‌ی لغت گفته‌اند، این کلمه تنها به عرب‌های بادیه‌نشین اطلاق می‌شود. بنابراین به خلاف آن چه بسیاری تصور می‌کنند، اعراب جمع عرب نیست.» (مکارم-شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۸، ۹۳) علت جهل بادیه‌نشینان در آیه، دوری از شهر به عنوان مرکز دریافت وحی، معرفی شده است. در نتیجه، مرکز دعوت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ، شهر بوده است و نه بیابان. در ادامه، هنگام بررسی آثار تاریخی شبه جزیره، با نقاط متعدد شهرنشین آن آشنا خواهیم شد.

۳-۳- پرستشگاه‌ها

وجود «کعبه» به عنوان قدیمی‌ترین پرستشگاه بشری در قلب شبه جزیره، گویای قدمت تاریخی و تمدن والای این منطقه‌ی جغرافیایی است و ما را از بررسی بیشتر در این مورد بی‌نیاز خواهد کرد.

۳-۴- آداب و سنن پسندیده و سجایای اخلاقی

زبان هر کتاب دینی، متناسب با زبان هر قوم و اخلاق، عادات و آداب آنان نازل شده است. (ظرافتکار، ۱۳۸۱، ۲۳۴)

۳-۴-۱- سنن پسندیده

در برخی نوشته‌ها به تعدادی از آداب و سنن پسندیده‌ی اعراب در دوران پیش از اسلام اشاره شده است. برای نمونه وجود مجلس خبرگان، نمادی از دموکراسی و احترام به نظرات دیگران است که اعراب پیش از اسلام، هم در شهر و هم در قبایل کوچک به این موضوع احترام می‌گذاشت: «ملاً مکه در دارالندوه تشکیل می‌شد که نمونه‌ی کوچکی بود از یک مجلس سنا». (ضیف، ۱۳۶۴، ۵۹) «امور مربوط به یک قبیله معمولاً در یک انجمن که همه‌ی اعضای قبیله در آن حضور داشتند، رتق و فتق می‌شد. امکان اظهار نظر برای همه وجود داشت. رهبر قبیله - سید - با بیعت افراد انجمن منصوب می‌شد.» (مونتگمری وات، ۱۳۷۹، ۲۷) در حدیثی از پیامبر ﷺ، به وجود سنتی پسندیده از دوران جاهلی اشاره شده است. این حدیث می‌تواند نشان دهنده‌ی این موضوع باشد که در آن زمان نیز آداب نیکو یافت می‌شده و مردم نیز از آن حمایت می‌کردند: «پیامبر ﷺ به امام علی رضی الله عنه توصیه کرد: ای علی جان؛ همانا جدت عبدالمطلب پنج سنت استوار در عصر جاهلی تأسیس کرد که خداوند آن‌ها را در اسلام جاری ساخت. از جمله‌ی آن‌ها سنت جایگزینی صد شتر به جای قتل بود.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ۱۲۷) «این موضوع با پیش‌گامی عبدالمطلب و آموزه‌های انسانی زهیر بن ابی سلمی با استقبال همگانی روبرو شد و یکی از دستاوردهای عصر جاهلی بود که زمینه‌ساز پیدایش حگم و قضاوت به صورت وسیع در آن دوران شد و در اسلام نیز ماندگار گشت.» (عبدی و دادفر، ۱۳۹۵، ۸۶)

۳-۴-۲- صفات پسندیده

وجود صفات پسندیده مانند شجاعت، سخاوتمندی و... در بین عرب قبل از پیامبر ﷺ، مرسوم بود: «بررسی و تحلیل ایام العرب‌ها نشان می‌دهد که این جنگ‌ها هر چند زندگی اعراب را با مشکلاتی همراه می‌ساخت، اما آنان شجاعت، جوانمردی و در نهایت



سعادت خود را در آن جستجو می‌کردند؛ به گونه‌ای که کشته شدن در میدان جنگ و تبدیل شدن به قهرمان داستان‌های حماسی، نهایت آرزوی ایشان بود.» (دادفر، ۱۳۹۵، بخش نتیجه‌گیری.) به خاطر چنین روحیه‌ای بود که بعدها لشکریان عرب در میدان جهاد و توسعه‌ی اسلام بسیار موفق بودند. «تعدادی از سنن پسندیده عصر جاهلی عبارتند از: مهمان نوازی، وفای به عهد، شجاعت، حمایت از مظلومان و هم‌پیمانی در آن، قصاص، حرام شمردن بعضی ماه‌ها برای جلوگیری از جنگ و خونریزی، اهتمام به برخی دانش‌ها مثل ادبیات، نَسَب‌شناسی، پزشکی و محاسبه‌ی ایام.» (قاسمی حامد، ۱۳۳۹، ۸۷-۸۹)

«قرائن نشان می‌دهد که بیعت، از ابداعات مسلمین نیست، بلکه سنتی بوده که قبل از اسلام در میان عرب رواج داشته است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۰، ۷۰) قرآن اعتقاد به ماه‌های حرام را سنتی دیرینه می‌داند که از زمان خلقت آسمان‌ها و زمین وجود داشته است و احترام اعراب پیش از اسلام به این موضوع، نشان از معرفت و شعور ایشان دارد: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ». (توبه: ۳۶)

۳-۵- تجارت و کشاورزی

مهدی پیشوایی در مورد نوع ارتباطات اعراب پیش از اسلام می‌گوید: «حجازیان با مردمان متمدن آن روز، چندان در ارتباط نبودند... آنان به حکم موقعیت طبیعی و جغرافیایی خاص این منطقه، نه تنها از نظر سیاسی به دور از نفوذ دولت‌ها و حکومت‌های آن زمان بودند، بلکه از نظر فرهنگی نیز از قلمرو نفوذ آن‌ها خارج بودند.» (پیشوایی، ۱۳۹۶، ۳۲ و ۶۰)

۱-۵-۳- تجارت از مهم‌ترین فعالیت‌های عرب

برخلاف نظر عده‌ای، شواهد باستانی نشان می‌دهد تجارت داخلی و خارجی در آن دوران بسیار قوی بوده و به همین علت است که اعراب، شاهراه تجاری بخوردان و جاده‌های منتهی به آن را احداث کردند. این جاده‌های تجاری از امنیت بالایی برخوردار بود. قرآن مجید نیز به این موضوع اشاره کرده و امنیت جاده‌ها را به عنوان یک موهبت به قریشیان تذکر می‌دهد: «لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ / إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ / فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ / الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ.» (سوره قریش) «شواهد تاریخی نشان دهنده‌ی رواج تجارت و دادوستد شبه جزیره با امپراتوری‌های همسایه به ویژه روم می‌باشد. مکه یک جمهوری تجاری چون ونیز بود با سیستم پیچیده بازرگانی.» (ضیف، ۱۳۶۴، ۵۹) سعید افغانی دوشاهراه اصلی تجاری را برای جزیره العرب در آستانه‌ی ظهور

اسلام برشمرده است. (افغانی، ۱۹۶۰م، ۱۵-۱۷) «قدمت تجارت عرب به اندازه‌ای بود که حتی در توریه، ذکر آن موجود است. تجارت گاه‌های پالمیرا هنوز آثار حیرت‌انگیز آن موجود است.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۱۰۸)



تصویر شماره ۲- نقش برجسته سنگ آهک از یک تابوت در اردوگاه دیوکتیان، پالمیرا، نشان دادن دو رهبر کاروان با شتر، موزه پالمیرا. (هویلند، ۲۰۰۲م، ۱۰۸)

۳-۵-۲- ارتباط قوی با قدرت‌های زمانه

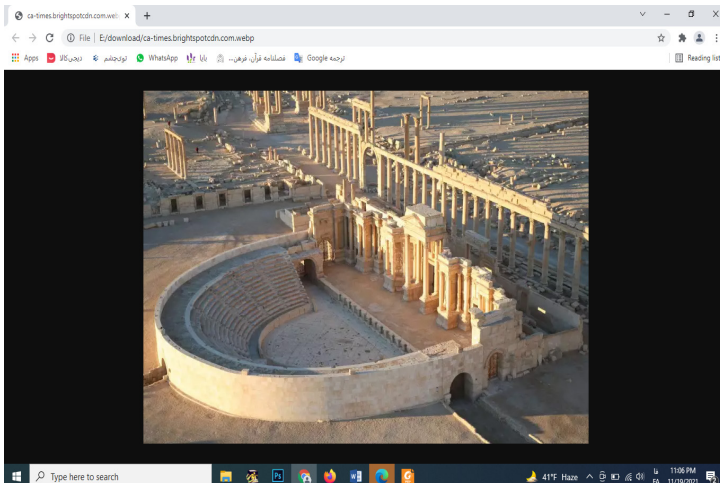
«حیره در عراق، به علت موقعیت جغرافیایی‌اش، محل برخورد فرهنگ‌های مهم بود. ابتدا خود؛ از این فرهنگ‌ها تأثیرگرفت و سپس این فرهنگ‌ها را به اعراب ساکن در شبه جزیره منتقل کرد. تجارت، راه اصلی انتقال فرهنگ بود.» (صفری، ۱۳۸۱، ۹۰۶) از طریق مسیرهای تجاری، اعراب با امپراتوری‌های دیگر به شدت در ارتباط بودند: «اعراب قبل اسلام از دو هزار سال پیش با متمدن‌ترین اقوام دنیا، ارتباط تجاری داشتند.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۹۷)

قرآن، از ارتباط اعراب با ملت‌های پیرامون سخن می‌گوید: «الم/ عَلِيَّتِ الرُّومُ/ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ عَلِيْهِمْ سَيُعْلَبُونَ/ فِي بَضْعِ سِنِيْنَ لَلّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ». (روم: ۴-۱). اگر اعراب ارتباطی با کشورهای اطراف نداشتند، خبر و نتیجه‌ی جنگ دو امپراتوری به ایشان چه اهمیتی داشته است؟! گوستاولوبون می‌نویسد: «در محاربات بین ایران و روم، اعراب هم غالباً شرکت داشتند.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۱۰۴) «از

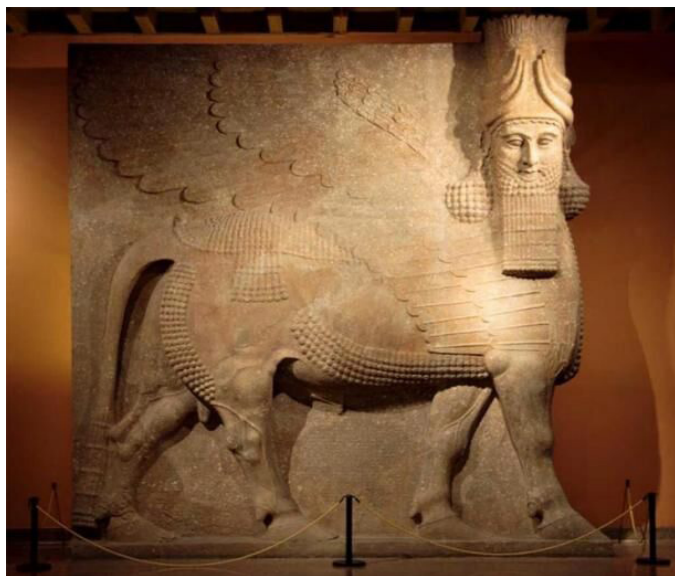
جمله مشهورترین جنگ‌های اعراب پیش از اسلام، جنگ ذی‌قار بوده است که اعراب بر حکومت ساسانیان به پیروزی رسیدند و متوجه مرزهای ایران شدند. «(دادفر، ۱۳۹۵، ۲۶) عنوان کتاب‌های منتشرشده از سوی دانشگاه آکسفورد - که حفاری منطقه شبه جزیره را بر عهده دارد و در ابتدای نوشتار اشاره شد - خود گویای ارتباط بالای اعراب و امپراتوری‌هاست.



تصویر شماره ۳- شهرهای تحت تأثیر امپراتوری روم در شبه جزیره عرب



تصویر شماره ۴- پادشاهی غسانیان، سوریه، قبلاً مرکز عربستان بود، تأثیر معماری روم.



تصویر شماره ۵ - موصل، عراق: این کاخ نظامی متعلق به امپراتوری آشور بوده و معبدی که به همراه آن کشف شده متعلق به سده ۵ یا ۶ ق.م است. تأثیر معماری ایرانی.
(<https://www.irna.ir/news>, ۲۰۱۷م)

۳-۵-۳- کشاورزی در منطقه‌ای بیابانی، نماد پیشرفت تکنولوژی اعراب

یکی دیگر از شاخصه‌های شهرنشینی، کشاورزی است. عربستان یک منطقه بیابانی است و دسترسی به آب و نحوه آبیاری بسیار حائز اهمیت است. آثار کشف شده، از پیشرفت تکنولوژی اعراب در دسترسی و نحوه استفاده از آب حکایت دارد:

- منطقه تاریخی خیبر یا تیما، یک شهر واحه‌ای مهم از هزاره اول قبل از میلاد با سیستم پیچیده از کانال‌های آبیاری جهت آبیاری نخل‌هاست.

(فلورنت آگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)

- سیستم‌های آبیاری باستانی در عمان، مربوط به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد، از پنج سیستم آبیاری تشکیل شده و به ثبت یونسکو رسیده است. هنوز برای مصارف کشاورزی و خانگی از این سیستم استفاده می‌شود. (۲۰۱۷م، www.worldarchitecture.org/architecture-news)

- سولاییل، اگرچه بسیار نزدیک به بزرگترین کویر شن و ماسه جهان - ربع الخالی - است ولی یکی از ثروتمندترین مناطق کشاورزی در پادشاهی محسوب می‌شود. (۲۰۱۷م،

www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia)



- سیستم آب زهکشی شده الجوف، در امتداد مرز شرقی اردن تا حاشیه نفود الکبیر.
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiaturismguide.com)

- سایت‌های ساخته شده از سنگ در صحرای عربستان سعودی، ساختارهایی است که احتمالاً جهت اهداف کشاورزی توسط قبایل باستانی ایجاد شده‌اند. (نیکلاس سنت فلور،
۲۰۱۷م، www.nytimes.com/science/saudi-arabia-gates.html)

۳-۶- هنر و معماری

مدت‌هاست مردم اعتقاد دارند پادشاهی عربستان سعودی، انحراف از بقایای تاریخی است؛ اما عربستان با گشودن دروازه‌های توریستی خود در سال ۲۰۱۹م، جهانیان را متحیر نمود. گوستاولوبون، ۱۳۷ سال پیش در مورد آثار شبه جزیره‌ی عربستان چنین نوشته است: «از تحقیقاتی که جدیداً از آثار قدیمه‌ی آن‌جا به عمل آمده است، مقام اهمیت تمدن آن ثابت و آشکار می‌گردد.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۱۰۹) مسلماً امروز با کشفیات جدید باستان‌شناسی، تمدن قوی این منطقه، بیش از پیش بر همگان، آشکار خواهد شد. به جهت فراوانی بناها و آثار باستانی منطقه‌ی شبه جزیره، در ادامه به صورت مختصر به برخی از مهم‌ترین آن، اشاره می‌شود.

بررسی صحیح آثار تاریخی منطقه، نیازمند معرفی شاهراه تجاری بخوردان است. جاده‌ی پادشاهان، بخش کوچکی از مسیر بخوردان بوده است. به خاطر وجود این شاهراه مهم تجاری، عربستان به چهارراه تمدن‌های باستان تبدیل شد و تبادلات فرهنگی ملت‌ها از همین طریق انجام می‌گرفت.

۱-۶-۳- جاده پادشاهان

«فرانکینسنس و آرامگاه جنوب عربستان - یمن امروزی و بخش‌هایی از عمان - به عنوان «بخوردان» مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در مراسم مذهبی و برای اهداف دارویی بسیار ارزشمند بودند. تولید بخور باعث شد، عربستان جنوبی بسیار غنی شود و در منابع یونان و روم باستان به عنوان عربستان سعادت‌مند، خوانده شود. این یک رویا برای فراعنه مصر باستان، اسکندر کبیر و امپراتوران روم بود، اما هیچ کدام نتوانستند به تولیدبخور دست یابند.» (۲۰۱۷م، www.tnm.jp/modules) «جاده پادشاهان گذرگاهی به طول ۳۳۵ کیلومتر است که عمان را به عقبه متصل می‌کند.» (۲۰۱۷م، www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia)



تصویر شماره ۶- جاده پادشاهان. (۲۰۱۷م، www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia)



تصویر شماره ۷- جاده پادشاهان با خط چین قرمز رنگ مشخص شده است.

«جغرافیدان استرابون، ترافیک عظیم در مسیرهای کویری را با یک ارتش مقایسه می‌کند.» (بخش هنر باستانی خاور نزدیک، موزه هنر متروپولیتن، ۲۰۰۰م، www.metmu-seum.org/toah/hd/ince/hd_ince.htm) اشیاء مکشوف در مسیرهای تجاری، گواهی دهنده‌ی مبادله سرسام‌آور تجاری و فرهنگی بین اعراب و همسایگان‌شان از جمله مصری‌ها، سوری‌ها، بابلی‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها است.



www.si.edu/newsdesk/releases/north-american-pre- (آلیسون پیک، ۲۰۱۲م،
(miere-roads-arabia-unearths-hidden-history-ancient-arabian-peninsula



تصویر شماره ۸- پایه، تیما، قرن ۴-۵ ق.م، موزه ملی ریاض. (www.tnm.jp/modules, ۲۰۱۷م،)



تصویر شماره ۹- سنگ علف ستري، ساخته «لحايات سبایی» به سفارش ابي بهت همسر طوبی پسر
سبح برای الهه شمس. مرد ایستاده همراه با همسرش. یک محراب بخور بین آن دو قرار دارد. قرن ۱م،
موزه ملی سنا. (هویلند، ۲۰۰۲م، ۱۶۴)

۲-۶-۳- معماری صخره‌ای

طیف گسترده‌ای از آثار باستانی و بناهای ارزشمند تاریخی از حفاری در شاهراه بخوردان به دست آمده است. در همین منطقه است که مثلث ارزشمند معماری صخره‌ای سر از خاک برآورد و سه منطقه‌ی مشابه از لحاظ باستانی کشف شد. «جاده پادشاهان، از دوطرف با یک زنجیره‌ی غنی از اماکن باستان‌شناسی با سکونت‌گاه‌های ماقبل تاریخ عصر سنگ محصور شده است.» (۲۰۱۷م، www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia) سه محوطه‌ی صخره‌ای که در جهان معماری بی‌مانند است، در فاصله‌ای نه چندان زیاد از یکدیگر بنا شده‌اند: اردن (مدائن صالح-شهر پترا)، مدینه (منطقه آل العلاء شهر ددان) و تبوک (مدین). شهرهای تراشیده شده در دل کوه، از ارزشمندترین آثار معماری به حساب می‌آید که مدال افتخارش به شبه جزیره عرب داده شد.

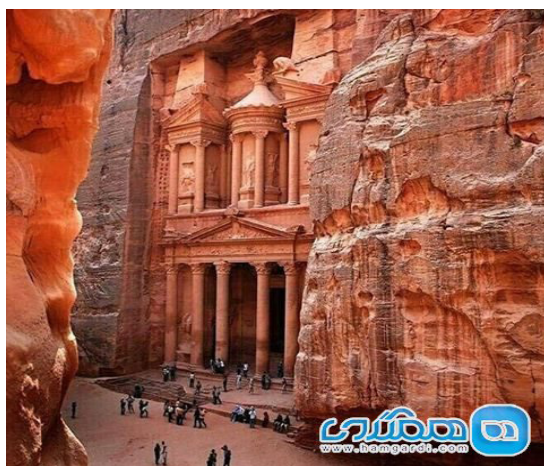


تصویر شماره ۱۰- مکان‌یابی سه منطقه ارزشمند تاریخی، دارای معماری صخره‌ای در شبه جزیره عربستان. (www.google maps.com، ۲۰۱۷م)

۱- مدائن صالح، نمادین‌ترین مکان تاریخی پادشاهی عربستان سعودی، محلی در حدود ۲۰۰۰ سال پیش که در سال ۲۰۰۸م به ثبت یونسکو رسید. (فلورنت آگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com) شهر پترا در آن از دیدنی‌ترین مکان‌های خاورمیانه و یکی از شگفت‌انگیزترین آثار به جای مانده از تمدن‌های باستانی عرب‌هاست؛ تمدنی به نام «مملکت العربیه الانباط». (www.arab-history.blogspot.com، ۲۰۱۷م)



تصویر شماره ۱۱- شهر پترا. (۲۰۱۷م، [www.alamy.com/madain-saleh-archaeological-site-with-](http://www.alamy.com/madain-saleh-archaeological-site-with-html.nabatean-tombs-in-saudi-arabia-ksa-image۲۶۵۲۳۳۴۱۶)
(html.nabatean-tombs-in-saudi-arabia-ksa-image۲۶۵۲۳۳۴۱۶)



تصویر شماره ۱۲- حکاکی‌های عجیب شهر پترا در دل کوه باسنگ‌های قرمز.
(<https://hamgardi.com/fa/Post>، ۲۰۱۷م)

۲- شهر مدینه همواره به دلیل قرار گرفتن در یک منطقه بارور از حجاز، جایگاه مهمی در تجارت و کشاورزی داشته است. بنابراین یک ایستگاه مهم برای کاروان‌های تجاری بود. (متیومی‌نتوش، ۲۰۱۸م، www.brewminate.com/the-history-of-pre-islamic-arabia) در این منطقه، شهر صخره‌ای ددان، مربوط به هزاره ا.ق.م و منطقه‌ی تاریخی آل العلا قرار دارد که

به عقیده‌ی بسیاری از اهل فن، از لحاظ ارزش معماری حتی در رتبه‌ی بالاتری از مدائن صالح قرار می‌گیرد. (فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiaturismguide.com)



تصویر شماره ۱۳- شهر تاریخی ددان، مدینه.
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، <http://www.saudiarabiaturismguide.com>)

۳-مقبره‌های یادبود در سرزمین باستانی مدین. سرزمینی که حضرت موسی علیه السلام ۱۰سال در آن، تبعید داوطلبانه را گذراند. (فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiaturismguide.com)
«وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلَقَّاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ». (قصص: ۲۲)



تصویر شماره ۱۴- مقبره‌های صخره‌ای مدین: نظریه‌های مختلفی درمورد عملکرد این بناهای تاریخی با نماهای تزیین شده وجود دارد. اما اتاق‌های خاکسپاری که در داخل زمین حفر شده‌اند، از ایده‌ی مقبره‌هایی مشابه با نمونه‌های پترا در اردن و ددان در آل العلا پشتیبانی می‌کنند.
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiaturismguide.com)

سال دوم

شماره سوم

پیاپی پنجم

پاییز ۱۴۰۰



به احتمال قوی، این مناطق ارزشمند صخره‌ای، همان آثار اقوام عاد، ثمود و لوط است که در قرآن کریم، اشاره می‌شود. سنگ، ماده‌ی مستحکمی است و ابنیه‌ی سنگی، اگر از تکنولوژی بالای معماری نیز برخوردار باشند، تا مدت زمان بسیار زیاد تخریب نخواهند شد. عمارات اقوام معدوم عرب که در قرآن از آنان یاد شده نیز بناهای سنگی و به ویژه صخره‌ای بوده که از استحکام فوق العاده‌ای برخوردار است. «برخی از حقایق جغرافیایی و تاریخی، وجود اقوام ذکرشده در قرآن کریم، مانند عاد و ثمود و... را تأیید می‌کند.» (بهاء الدین خطیب، ۲۰۱۹م، www.sotor.com)

قوم عاد که مردمی درشت هیکل و قوی بودند، خانه‌ها و قصرهایی شگفت‌انگیز در دل کوه بنا می‌کردند. قرآن، هیکل درشت و نیرومند ایشان را به درختان نخل: «أَعْجَازُ نَخْلٍ» (قمر: ۲۰)، تشبیه کرده است. آن‌چنان قوی بودند که می‌گفتند: «مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً»: نیرومندتر از ما کیست؟ (فصلت: ۱۵) به فرموده‌ی قرآن، مانند شهرهای ایشان در عالم یافت نمی‌شد: «إِزَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ / الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ»: (با آن شهر) ارم که دارای کاخ‌های با عظمت و ساختمان‌های بلند بود/ همان که مانندش در شهرها ساخته نشده بود. (فجر: ۸۰ و ۷۷) قرآن، ساختمان‌های ایشان را در مکان‌های بلند و کوه‌ها می‌داند: «أَتَبْنُونُ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ / وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ»: آیا بر روی هر مکان بلندی به بیهوده کاری و بدون نیاز، برجی عظیم بنا می‌کنید؟/ و قلعه‌ها و کاخ‌های استوار و مجلل برمی‌گیرید، که شاید جاودانه بمانید. (شعراء: ۱۲۸ و ۱۲۹) تفسیرالمیزان، «ریع» را به معنای نقطه بلند می‌داند و «آیت» را علامت و نشانه و «مصانع» را قلعه‌های محکم و قصرهای استوار و ساختمان‌های عالی. «گویا قوم عاد در بالای کوه‌ها و نقاط بلند، ساختمان‌هایی می‌ساختند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ۴۲۱ و ۴۲۲) و لیکن حداقل تا صدر اسلام، خانه‌های این قوم، باقی بوده که قرآن می‌فرماید جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شود: «لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِنَهُمْ» (احقاف: ۲۵) بنابراین قوم عاد، دارای بناهای مجلل در دل کوه‌ها بودند و ابنیه‌ی ایشان احتمالاً هم‌چنان باقی است.

و اما قوم ثمود، مهارت ویژه‌ای در معماری صخره‌ای داشتند: «و تَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ»: قوم ثمود؛ آنان (مهارت ویژه‌ای در ساختمان‌سازی داشتند و) در آن وادی (برای ساختن بناهای استوار)، تخته سنگ‌ها را می‌بریدند. (فجر: ۹) «تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا»: از مکان‌های هموارش برای خود قصرها بنا می‌کنید و از کوه‌ها، خانه‌هایی می‌تراشید (اعراف: ۷۴) بنابر صراحت آیات، قوم ثمود، مهارت ویژه‌ای

در معماری صخره‌ای و ساخت عمارت‌های فاخر در کوه داشتند و ابنیه‌ی ایشان احتمالا همچنان باقی است. قرآن به باقی بودن ساختمان‌های قوم عاد و ثمود دست‌کم تا صدر اسلام اذعان می‌کند: «وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَّيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ» و (قوم) عاد و ثمود را (نیز نابود کردیم)، و از خانه‌های (خالی) آنان (سرنوشت شومشان) برای شما نمایان است. (عنکبوت: ۳۸)

باز قرآن کریم به منظور عبرت گرفتن معاصرین رسول خاتم ﷺ به ابنیه‌ی باستانی قوم لوط اشاره می‌فرماید: «وَ إِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ / وَ بِاللَّيْلِ أَفَلَاتَعْلَمُونَ»: و شما همواره صبحگاهان (از کنار ویرانه‌های شهر) آنان گذر می‌کنید/ و نیز شبانگاهان، آیا تعقل نمی‌کنید؟ (صافات: ۱۳۷ و ۱۳۸) طبق این فرموده، عمارات ایشان، نزدیک مکه و مدینه بوده و اعراب مخاطب پیامبر ﷺ مرتب از کنار آن عبور می‌کردند. تفسیر نمونه می‌نویسد: «نظیر همین معنی در آیه ۷۶ سوره حجر بعد از بیان داستان قوم لوط آمده است: «وَ إِنَّهَا لَبَيْسَبِيلٍ مُّقِيمٍ»: این آثار بر سر راه کاروانیان و عابران همواره برقرار است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ۱۵۰) بنابراین قوم لوط نیز می‌بایست دارای عمارات مستحکمی در منطقه حجاز بوده باشند که سالیان دراز، همچنان باقی مانده است.

۳-۶-۳- معماری اصیل عربی

گوستاولوبون، هنر و معماری خالص عربی را بیشتر مربوط به جنوب شبه جزیره می‌داند: «اعراب حیره و غسان چون با ایران و روم مربوط بودند، بلاشک باید از تمدن آن‌ها استفاده نموده باشند. برخلاف یمن که تمدن آن از تمدن رومیان به کلی جداست و یک تمدن عربی خالص و جلوتر از تمدن مزبور است.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۱۰۹) خوشبختانه، حتی مخالفین تمدن عالی عرب نیز به وجود تمدن والای جنوب شبه جزیره معترفند و نیاز به اثبات مجدد نیست.



تصویر شماره ۱۵- منطقه باستانی شیوه، یمن. (۲۰۲۱م، www.mapio.net/Shabwa)



تصویر شماره ۱۶- حکاکی‌های کاخ شیوه، ۲۳۰ق.م، موزه ملی عدن. (هولند، ۲۰۰۲م، ۱۷۸)



تصویر شماره ۱۷- آرامگاه بزرگ الحلی، پارک العین ابوظبی، امارات. (هویلند، ۲۰۰۲م، ۱۷۶)



تصویر شماره ۱۸- آرامگاه بزرگ الحلی، (سباستین شاروکس، ۲۰۱۸م،
(<http://www.alamy.com/stock-photo-al-hili-ancient-tomb-al-ain-uae>)



تصویر شماره ۱۹- شهرباستانی صرواح با معبد المقاح در مرکز آن، یمن. (هویلند، ۲۰۰۲م، ۴۰)

استرابون از آرتمی دور و مسعودی نقل می‌کند که مآرب در جنوب جزیره العرب، یکی از شهرهای حیرت‌انگیز دنیا بوده است. عمران و آبادی این سرزمین را سدهای مآرب می‌دانند. (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۱۰۷ و ۱۰۶) قرآن کریم به سرزمین پرنعمت سبا و مسکن ارزشمند و سدهای آن اشاره می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ / فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جُنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَجَرٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ»: و برای سباییان در وطنشان (سرزمین یمن و شام) از راست و چپ (جنوب و شمال) دو سلسله باغ و بوستان، آیتی (از رحمت حق) بود (همه پرنعمت و به آن‌ها گفتیم که) بخورید از رزق پروردگار خود و شکر وی بجای آرید، که مسکنتان شهری نیکو و پرنعمت است و پروردگار شما، غفور (و مهربان) است. / با وجود این باز (از شکر الله و طاعت حق) اعراض کردند، ما هم سیلی سخت بر هلاک ایشان فرستادیم و به جای آن دو نوع باغ پرنعمت، دو باغ دیگرشان دادیم که بار درختانش تلخ و ترش و بدطعم و شوره گز و اندکی درخت سدر بود. (سبا: ۱۶ و ۱۵)

احتمالا سرزمینی که در سوره‌ی نمل، حضرت سلیمان علیه السلام بدان‌جا نامه نوشت و ملکه‌ی آن بالقیس دارای عرش عظیمی بود، همان گونه که تفسیر نمونه نیز اشاره می‌کند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ۴۴۵)، سرزمین سبا و شهر مآرب در جنوب شبه جزیره عربستان است. تفسیرنور، عبارت «أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» در آیه ۳۳ نمل را نشان از امکانات و رفاه آن سرزمین (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ۴۱۱) و تفسیر المیزان، وصف وسعت آن مملکت و عظمت سلطنت آن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ۵۰۶) می‌دانند.



تصویر شماره ۲۰- شهر کهن مآرب، یمن. احتمالاً عرش ملکه بلقیس و سد مهم مآرب که در قرآن اشاره شده در این منطقه واقع شده است. (۲۰۱۷م، www.abrasaparvaz.com)

۳-۶-۴- دیگر آثار باستانی شبه جزیره

بررسی تمام آثار باستانی منطقه شبه جزیره عرب در این گفته نمی‌گنجد؛ در این جا

تنها به ذکر نام تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها بسنده می‌کنیم:

- سکونتگاه‌های دائمی منطقه البیده معروف به پترای کوچک. (۲۰۱۷م، www.universes.art)

- معبد Khirbet edh-Dharih، محل منشاء نمای حکاکی منبت کاری شده در اردن.

(۲۰۱۷م، www.universes.art/en/art-destinations/jordan/khirbet-edh-dharih)

- وادی روم با پتروگلیف‌هایی در دیواره‌های غار دروازه‌ی عربستان به روم.

(۲۰۱۷م، www.universes.art/en/art-destinations/jordan/Wadi_Rum)

- منطقه تاریخی خیبر یا تیما، ذکر شده در متون بین النهرین (مثل دمت الجندل).

(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)

- سایت صخره‌ای مشهور شیومیس، با کیفیت بالای پتروگلیف‌ها (حکاکی‌ها).

(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)

- عمان، با پنج میراث جهانی مهم فرهنگی مورد ثبت یونسکو.

(۲۰۱۷م، www.worldarchitecture.org/architecture-news)

- جزایر فارسان، با بقایای بناها و کتیبه‌ها به خط صابئین.

(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)

- النفود الكبير، صحرای بزرگ تپه ماسه‌ای پر از حکاکی‌های ارزشمند سنگی.
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)
- جُبهه، دارای مشهورترین مکان هنرهای سنگی عربستان.
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)
- ساکاکا و قصر زابا، نمونه منبت کاری‌های باستانی دوره نوسنگی (هزاره ۵-۸ ق.م).
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)



تصویر شماره ۲۱ و ۲۲- قصر زابا در ساکاکا. (۲۰۱۷م،
Sakaka_Jouf_Province.html-www.tripadvisor.com/LocationPhotos-g۲۲۷۵۸۱۱

- سایت شتر، آخرین کشف در مقیاس آن «بی‌سابقه» توصیف شده است.
(year-old-camel-relief-carvings-found-in-saudi-arabia-۲۰۰۰/www.the-wau.com/post/saudi-arabia, ۲۰۱۷م)



تصویر شماره ۲۳- سایت شتر. مجسمه‌های خاص سایت شتر در قسمت‌های بالای صخره، مهارت‌های غنی غیر قابل انکار را نشان می‌دهد. مطابق این مطالعه، حکاکی و کمر نقاشی، رایج‌ترین تکنیک‌های موجود در هنر سنگ‌های عربی بوده است. (۲۰۱۷م،

(year-old-camel-relief-carvings-found-in-saudi-arabia-۲۰۰۰/www.the-wau.com/post/saudi-arabia

- رجاجیل که با نام استون هنج عربستان نامیده می‌شود، احتمالاً دارای عملکردهای نجومی بوده است. قدمت رجاجیل را حداقل تا اوایل هزاره ۵ یا ۶ ق.م تأیید کرده‌اند. (فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، www.saudiarabiatourismguide.com)



تصویر شماره ۲۴- رجاجیل یا استون هنج عربستان.
(فلورنت اگال، ۲۰۱۷م، <http://www.saudiarabiatourismguide.com>)

- قریه الفاو، یکی از مهمترین یافته‌های باستان‌شناسی، زیرا نمونه‌ای از شهرهای عربی است که پیش از اسلام با تمام اجزای آن یعنی خانه‌ها، چاه‌ها، جاده‌ها و اماکن بازار بیرون آمد. (۲۰۱۷م، www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia)
- قزه Gerrah، احتمالاً ۶۹۰ ق.م، استرابون نیز این شهر را توصیف کرده است. (۲۰۱۷م، www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia)
- سایت تاج، احتمالاً در دوره سلیوسیدان یونان تأسیس شده، حدود اوایل ۳ ق.م. (۲۰۱۷م، <https://traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia>)



تصویر شماره ۲۵ و ۲۶-کشف نقاب و جواهرات و سکه‌های فویل طلا، تاج، عربستان. (www.traveltoeat.com/the-incense-road-saudi-arabia, ۲۰۱۷م)

- آثار و بناهای باستانی درکویت، بحرین، لبنان، سوریه، عراق و...

هوینلد معتقد است، رایج‌ترین نماد معماری عربستان، مقبره است و کاربرد بیشتری بناهای ارزشمند منطقه را در آن می‌داند. سنگ‌هایی به اشکال مختلف دایره، کندوی عسل، مستطیل و انگشترانه، که گاهی اوقات برای دفن فردی به ویژه در بحرین (که قدمت آن‌ها به اواخر دوره هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد) و گاهی برای دفن دسته جمعی به ویژه در عمان استفاده شده است. و یا مقبره‌های برج پالمیرا و مکان‌های باشکوه مقبره‌های صخره‌ای نخبگان پترا و شمال غربی عربستان. در این‌جا به طور سنتی برخی چیزها همراه با مردگان یا در مجاورشان دفن می‌شد؛ مانند وسایل متوفی مثل جواهرات و شمشیر، و یا گاهی حیوان سواری آنان که اغلب شتر بود و برخی چیزها که یاد متوفی را تداعی می‌کرد که معمولاً یک تخته سنگ بود با داشتن نام و یا طرح کلی صورت یا شکل آن‌ها، مجسمه‌ها یا نقش برجسته‌ی صحنه‌های مربوط به زندگی متوفی. (هوینلد، ۲۰۰۲م، ۱۷۴)

بررسی مؤلفه‌های مهم تمدن در قوم عرب پیش از اسلام، به ویژه روشنگری حفاری‌های جدید در آثار منطقه، ما را به سمت وجود تمدن قوی و پیشرفته در عربستان قبل از اسلام سوق می‌دهد. در این‌جا بحث را با کلام گوستاولوبون فرانسوی، که تحقیقات فراوان در حوزه‌ی اعراب پیش از اسلام داشته، خاتمه می‌دهیم: «می‌توان همین قدر نتیجه گرفت، قومی که پیش از ظهور رومیان، شهرهای عالی بنا نمودند و با اقوام بزرگ دنیا دارای روابط تجارتی بودند، هیچ وقت نمی‌توان آن قوم را وحشی نامید.» (گوستاولوبون، ۱۳۱۸، ۱۱۲)

نتیجه گیری

شاید روش صحیح و عقلانی جهت پی بردن به سطح تمدن مادّی یک قوم، بررسی مؤلفه‌های مهم تمدن در آن باشد. شاخصه‌هایی مانند: خط، مراکز شهری، دین سازمان یافته، آداب و سنن پسندیده، کشاورزی و تجارت و آثار تاریخی. در این مقاله مشخص گردید شاخصه‌های یادشده، به بهترین نحو و بالاترین سطح در جامعه عرب قبل از پیامبر ﷺ کشف شده است. خط و تکامل زبان عربی از بهترین نشانه‌های تمدن اعراب در عصر پیش از اسلام است و در چند دهه‌ی اخیر نیز پژوهشگران از این زاویه، تمدن و فرهنگ غنی اعراب در پیش از اسلام را نتیجه گرفته‌اند.

و لیکن در ایران، بررسی سطح تمدن منطقه از شاخصه‌ی مهم دیگر یعنی پژوهش در زمینه‌ی هنر، معماری و آثار تاریخی شبه جزیره عرب، هم چنان مسکوت مانده است. شاید بررسی باستانی با پیوست تصاویر آثار تاریخی منطقه، چون نیاز به تحلیل‌های پیچیده‌ی عقلی ندارد، پذیرش وجود تمدن در حوزه‌ی شبه جزیره عرب قبل از ظهور پیامبر ﷺ را برای افراد، تسهیل نماید. مدت‌هاست مردم اعتقاد داشتند پادشاهی عربستان سعودی انحراف از بقایای تاریخی است. اما خوشبختانه عربستان با گشودن دروازه‌های توریستی خود در سال ۲۰۱۹ میلادی، جهانیان را متحیر ساخت. عربستان مدت‌ها اجازه‌ی حفاری در منطقه را صادر نمی کرد، تا این که دانشگاه آکسفورد توانست این مهم را برعهده گیرد و نتایج حاصل از حفاریات باستان‌شناسی را در دهه‌ی اخیر به صورت جامع منتشر ساخت که متأسفانه هم چنان این منابع ارزشمند به فارسی ترجمه نشده است.

کتاب‌نامه

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹)، *مقدمه ابن خلدون*، مترجم: محمدپروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، *هویت ایران از دوران باستان تا پایان پهلوی*، مترجم: حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- افضل‌ی، رسول (۱۳۸۶)، *دولت مدرن در ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- باقری مهبیاری، غلامحسین (۱۳۸۶)، *نمادهای فرهنگ عربی در عصر پیش از اسلام (در ابعاد نظری و لغوی)*، مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه السلام، ش ۷۲، ۳۹-۵۷.
- برنارد، لوییس (۱۹۵۴)، *العرب فی التاریخ*، مترجم: نبیه امین فارس و محمود یوسف زاید، لبنان: بیروت.
- بلوندل سعد، جويا (۱۳۸۲)، *عرب‌ستیزی در ادبیات معاصر ایران*، مترجم: فرناز حائری، تهران: کارنگ.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۶)، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله)*، قم: دفتر نشر معارف.
- دادفر، سجاد (۱۳۹۵)، «جنگ در نزد عرب پیش از اسلام»، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، ش ۱، ۴۴-۱۹.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸)، *تاریخ تمدن*، مترجم: آرام و دیگران، ج ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۶۸)، *تاریخ تمدن*، مترجم: ابوطالب صارمی، ج ۴، تهران: سازمان انتشارات علمی و آموزش انقلاب اسلامی.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۳)، *تاریخ عرب قبل از اسلام*، مترجم: باقرصدری نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سیف، احمد (۱۳۹۷)، *نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران (از مشروطه تا کنون)*، تهران: کرگدن.
- شهاب نوکنده، دل آرام (۱۳۹۵)، *فرآیند تحول نگاه ایرانیان به اعراب در دوران معاصر*، مجید حاجی بابایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۳۲)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۴، تهران: فردوس.
- صفری، مسعود (۱۳۸۱)، «حیره عامل انتقال فرهنگ»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۱۰، ۵-۴.
- ضیاء ابراهیمی، رضا (۱۳۹۷)، *پیدایش ناسیونالیسم ایرانی (نژاد و سیاست جداسازی)*، تهران: نشر مرکز.
- ضیف، شوقی (۱۳۶۴)، *تاریخ ادبی عرب العصر الجاهلی*، مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۷ و ۱۵، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ظرافتکار، مهدی (۱۳۸۱)، «فرهنگ عربی در دوره جاهلی؛ بررسی نثر جاهلی (۱)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۲۰۱، ۲۱۹-۲۴۳.
- عبیدی، عیسی، دادفر، سجاد (۱۳۹۵)، «تحول سنت نادررتاریخ اجتماعی عصر جاهلیت»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱، ۷۳-۹۲.
- فوران، جان (۱۳۸۸)، *مقاومت شکننده*، مترجم: احمد ندین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی حامد، مرتضی (۱۳۹۲)، «نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن و تاریخ»، فصلنامه حبل المتین، د ۲، ش ۳، ۷۴-۹۲.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، ج ۳، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- لوبون، گوستاو (۱۳۱۸)، *تمدن اسلام و عرب*، مترجم: سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: چاپخانه علمی.
- محمدقطب (۱۳۹۵)، *جاهلیت قرن بیستم*، مترجم: محمد علی عابدی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تیان.
- معین، محمد (۱۳۷۰)، *فرهنگ معین*، ج ۴، تهران: انتشارات نو.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۳۹)، *فیلسوف نماها*، ج ۱، قم: انتشارات مولف.
- ----- (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۹ و ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ----- (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج ۲۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ----- (۱۳۸۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۸ و ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نادران، الیاس؛ شریف زاده، محمدجواد (۱۳۹۵)، «*تأمین داوطلبانه کلاهای عمومی؛ تأمین امنیت در جزیره العرب پیش از اسلام*»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱۶، ۷۵-۱۰۴.
- وات، مونتگمری؛ ناظمیان فرد، علی (۱۳۷۹)، «*عربستان پیش از اسلام*»، فصلنامه تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم ع، دوره اول، ش ۴، ۲۱-۳۱.
- هفته نامه گلستان قرآن (بی تا)، ج ۳، تهران: مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی.
- ابن عبدربه، احمدبن محمد (۱۹۸۷)، *العقد الفرید*، ج ۲، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمی، منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- اسد، ناصرالدین (۱۹۹۶)، *مصادر الشعر الجاهلی*، بیروت: دارالجیل.
- افغانی، سعید (۱۹۶۰)، *اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام*، دمشق: دارالفکر، الطبعة الثانية.
- جواد علی (۱۴۱۳)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱، بغداد: جامعه بغداد.
- حسین، طه (۱۹۹۱)، *من تاریخ الادب العربی*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- داغر، اسعد (۱۹۱۸)، *حضاره العرب: تاریخهم، علومهم، آدابهم، أخلاقهم، عاداتهم و الموسکی*، مصر: المطبعة الهندیه.
- ضاهر، جمال (۲۰۲۱)، *من الحضاره العربیة إلى الحضاره العربیة الإسلامیة*، بیروت: دارالفارابی.
- ضیف، شوقی (۱۳۷۶)، *الفن و مذاهبه فی الشعر العربی*، مصر: دارالمعارف.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، ج ۱۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- وب، پیتر (۲۰۲۰)، *Muslim Reconstructions of Pre-Islamic Arabian Culture: بازسازی مسلمانان از فرهنگ عرب پیش از اسلام*، مقاله به زبان انگلیسی در لینک <https://brill.com/view/book/ed-۲۸۰-۲۳۵.xml.BP۰۰۰۱۵/۹۷۸۹۰۰۴۴۲۷۹۵۲/coll>.
- هولند، رابرت ۸ (۲۰۰۲)، نسخه الکترونیک کتاب *تاریخ اعراب در جزیره العرب؛ از عصر برونز تا صدر اسلام* (۳۲۰۰ ق.م - ۶۳۰ م)، لندن: راتلج. کتابخانه الکترونیکی تیپلورفرانسیس.

- <https://abrasaparvaz.com>
- <https://www.aei.org/foreign>
- <https://www.alamy.com>
- <https://www.alittihad.ae>
- <https://www.arab۴۸.com>
- <https://www.arab-history.blogspot.com>
- <https://www.brewminate.com>
- <https://www.gama.ir>
- <https://www.google maps.com>
- <https://www.hamgardi.com>
- <https://www.irna.ir/news>
- <https://www.latimes.com>
- <https://www.mapio.net>
- <https://www.metmuseum.org>
- <https://www.nytimes.com>
- <https://www.rasekhoon.net>
- <http://www.saudiarabiatourismguide.com>
- <https://www.si.edu>
- <https://www.sotor.com>
- <https://www.tnm.jp>
- <https://www.traveltoeat.com>
- <https://www.the-wau.com>
- <https://www.tripadvisor.com>
- <https://www.universes.art>
- <https://www.worldarchitecture.org>